

بررسی رشد شخصیتی فرزندان در تعامل با عدم سازگاری زوجین از منظر اسلام و روان‌شناسی

زهرا خاتون^۱، سیده زینب رضوانی^۲

چکیده

سیستم خانواده مرزها، تعاملات، ساختار و نقش‌هایی دارد که مهمترین بخش آن با رابطه و تعامل آغاز می‌شود. شکل‌گیری شخصیت فرزندان وابسته به عوامل مختلفی است که اساس آن ارتباط صحیح والدین با خود و رابطه والد-فرزند است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ناسازگاری زوجین بر رشد شخصیتی فرزندان از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد عواملی همچون عدم هم‌کفو بودن همسران، عدم آشنایی به وظایف یکدیگر، عدم رعایت اخلاق، عکس‌العمل نامناسب در برابر بداخلاقی همسر، عدم تقوا و پاکدامنی، عدم درک یکدیگر و عدم ارتباط عاطفی زوجین، منجر به ناسازگاری زوجین می‌شود. این ناسازگاری‌ها پیامدهایی مانند کاهش عزت نفس، ایجاد اضطراب و تشویش، افسردگی، کاهش اعتماد به دیگران، نگرانی مداوم از دست دادن والدین در فرزندان را به دنبال دارد که می‌تواند پایه‌های سلامت شخصیتی فرزندان را تهدید کند. در واقع روابط ناسازگارانه زوجین با اثرگذاری منفی بر رشد شخصیتی فرزندان، کیفیت زندگی آینده آنها را آسیب‌پذیر می‌کند.

واژگان کلیدی: ناسازگاری، روابط، زوجین، رشد شخصیتی، فرزندان.

۱. دانش‌پژوه روان‌شناسی و معارف اسلامی از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. استاد همکار گروه علمی - تربیتی روان‌شناسی و معارف اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

خانواده، کانون مقدسی است که بر عالی‌ترین عواطف بنا شده است و مهمترین نقش را در سعادت و شقاوت جوامع ایفا می‌کند. بنابراین، تلاش در راستای حفظ و استواری آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. آنچه در خانواده و یگانگی زن و مرد نقش مهمی بر عهده دارد، سازگاری زناشویی است. ارتباطات سالم زن و شوهر مهمترین مهارت مؤثر برای حفظ و استحکام بنیان خانواده است. ناسازگاری و اختلاف بین زوجین باعث از بین بردن آرامش و صمیمیت در خانواده می‌شود و می‌تواند تأثیرات ناسالمی بر ابعاد مختلف رشد و تکامل فرزندان به‌ویژه رشد شخصیتی آنان داشته باشد. (نوری، ۱۳۶۸، ص ۳۹-۴۰) از آنجاکه هدف از ازدواج و تشکیل خانواده و هدف از ایجاد یک خانواده جدید رسیدن به آرامش معرفی شده است، قانون خانواده باید سرشار از محبت و روابط بین اعضای خانواده نیز بر همین محور استوار باشد. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱).

ناسازگاری بین زوجین دلایل بی‌شماری دارد که مهمترین آن عمل نکردن به وظایف و مسئولیت‌های شرعی هر یک از زوج‌هاست. از جمله پیامدهای اختلافات والدین بر روی فرزندان، آثار جسمی، روانی، عاطفی و به‌خطر افتادن زندگی آینده کودکان و مشکلات شخصیتی است. وقتی زن و شوهر در طول زندگی از راهکارهای پیشگیری از اختلافات از جمله سازگاری، مدارا، گفت‌وگوی سالم و متقابل و... استفاده می‌کنند، هیچ‌گاه شاهد فرزندانی مبتلا به اختلالات شخصیتی و ناموفق در زندگی آینده نخواهند بود (حسن‌زاده، ۱۳۹۰). از آنجاکه خانواده اولین مکانی است که نوزاد انسان پا به عرصه وجود می‌گذارد و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه او محسوب شده و سعادت او وابسته به خانواده است، نقش پدر و مادر در پرورش و تربیت فرزندان نقش ویژه و مهمی است که شاه‌کلید اجرای این نقش مهم، وجود تفاهم و اتفاق نظر والدین است. از جمله عوامل تهدیدکننده روابط سالم اعضای خانواده با یکدیگر عدم تفاهم، اختلافات

همیشگی، مشاجرات دائمی زن و شوهر، عدم سازش و مدارای زوجین است (نوری، ۱۳۶۸، ص ۴۰-۳۹).

افرادی که در اجتماع از نظر شخصیتی مشکل دارند و مدام دچار تشویش، نگرانی و اضطراب هستند به طوری که این اختلال بر زندگی آینده آنان تأثیر گذاشته و در حیات زناشویی خود موفق نیستند ریشه این عوامل را باید در خانواده آنان جست و جو کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱) اتکینسون و هیلگارد شخصیت را این گونه تعریف کرده اند: «مجموعه ای از رفتار و شیوه های تفکر شخص در زندگی روزمره که با ویژگی های بی همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیش بینی مشخص می شود. شخصیت، سازمان بندی پویایی در درون فرد است و شامل آن دسته از نظام های روانی - فیزیکی است که رفتار و تفکر او را تعیین می کند که خانواده به دلیل نقش وراثتی و محیطی می تواند تأثیرات سالم یا مخرب بر رشد و تکامل فرزندان از جمله رشد و تکامل شخصیت آنان داشته باشد» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱). در زمینه آثار و پیامدهای ناسازگاری زوجین تألیف ها و تحقیقات بسیاری انجام شده و از منظر گوناگون به پدیده ناسازگاری پرداخته شده است. بعضی از پژوهش ها به ناسازگاری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان پرداخته اند (سهرابی و حسنی، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

برخی از پژوهش ها عوامل ایجاد ناسازگاری همسران (مولوی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹)، شناسایی عوامل خطر و پیش بینی احتمال ناسازگاری در زوجین را بررسی کرده اند. دسته دیگری از تحقیقات آثار ناسازگاری روابط زوجین در ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی کودکان را بررسی کرده اند (دیکوویک، ۲۰۱۵؛ کونینگ، ۲۰۱۰؛ هاوکینز، ۲۰۰۷؛ هوور، ۲۰۱۰). نتایج پژوهش ها بیانگر آن است که عواملی همچون عدم هم کفو بودن همسران، عدم آشنایی به وظایف، عدم رعایت اخلاق، عکس العمل نامناسب در برابر بداخلاقی همسر، عدم تقوا و پاکدامنی، عدم درک یکدیگر و عدم ارتباط عاطفی زوجین در ایجاد ناسازگاری زوجین اثرگذار است. همچنین ناسازگاری

زوجین پیامدهایی همچون کاهش عزت نفس، ایجاد اضطراب و تشویش، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس در ابعاد فردی، اجتماعی و روانی کودکان به دنبال دارد.

با توجه به اینکه پژوهشی در حوزه بررسی نقش این ناسازگاری‌ها در تحول شخصیتی کودکان و نوجوانان یافت نشده است از سویی در مطالعات انجام شده در زمینه عوامل ایجاد اختلالات شخصیت به شرایط نامطلوب خانواده در ایجاد و تشدید این مشکلات مانند اختلالات شخصیتی پارانوئید، نمایشی، ضد اجتماعی، خودشیفته‌ای و غیره اشاره شده است. (کاپلان و سادوک، ۲۰۱۵، ۱-). پژوهش حاضر در امتداد پژوهش‌های پیشین با بررسی عوامل ایجاد ناسازگاری زوجین به آثار و پیامدهای ناسازگاری والدین بر رشد شخصیتی فرزندان از منظر اسلام و روان‌شناسی پرداخته است.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق پژوهش حاضر در چارچوب تحقیقات توصیفی-تحلیلی با تأکید بر محتوای آیات و روایات اسلامی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده است.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش به دو بخش ارائه شده است: عوامل ناسازگاری زوجین؛ آثار و پیامدهای ناسازگاری زوجین بر رشد شخصیتی فرزندان. در پژوهش حاضر سعی شده است با بررسی هر دو متغیر یعنی، ناسازگاری والدین و رشد شخصیتی فرزندان، ارتباط این دو متغیر با استفاده از کتب و تحقیقات به شیوه توصیفی-تحلیلی با تأکید بر محتوای آیات و روایات اسلامی گردآوری شود.

۴. علل ناسازگاری زوجین از منظر آیات و روایات

هدف از ازدواج و تشکیل خانواده و هدف از ایجاد یک خانواده جدید، رسیدن به آرامش معرفی شده است، بنابراین قانون خانواده باید سرشار از محبت و روابط بین اعضای خانواده نیز بر همین محور استوار باشد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ

مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)، اما گاهی بین زوجین اختلافاتی به وجود می‌آید که روابط سازگار زوجین را تبدیل به ناسازگاری می‌کند.

۴-۱. هم‌کفو نبودن همسران

یکی از مهمترین عوامل سازگاری زن و شوهر، همتا و مناسب یکدیگر بودن است که در اصطلاح کفو نامیده می‌شود. زن و شوهر اگر در شرافت خانوادگی، ثروت، سن، سطح دانش و تحصیلات، علاقه‌ها و اهداف، دین‌داری و تقید به ضوابط اسلامی و نوع زندگی خانوادگی، تناسب و هماهنگی داشته باشند، مشکلاتشان کمتر بوده و به تفاهم می‌رسند. اسلام نیز به کفو بودن زوجین توصیه کرده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «زن و مرد همتا و کفو را به ازدواج یکدیگر درآورد و با کفو خود ازدواج کنید» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۳۳۷/۱۰۳)، اما اگر همسران در این جهات، نامتناسب و متفاوت باشند در زندگی با مشکلات و ناسازگاری‌ها و تنش‌ها و عدم همکاری‌ها و ناراحتی‌ها مواجه می‌شوند. برای مثال اگر یکی از آنها از خانواده‌های دین‌دار و مقید به ارزش‌ها و دیگری از خانواده‌های لایبالی یا کم‌تقید باشد در زندگی آینده با مشکلاتی جدی روبه‌رو خواهند شد: «رَوْحُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقَى. فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا؛ او را به مردی باتقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامی‌اش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی‌کند» (طبرسی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۴۶/۱).

اگر یکی اهل مطالعه و تحقیق و غیر اجتماعی باشد و دیگری اهل تفریح و تجمّل و شب‌نشینی و بسیار اجتماعی باشد یا یکی دارای تحصیلات عالی و دیگری کم‌سواد باشد یا یکی از آنها از خانواده‌های ثروتمند و تجمّل‌گرا و دیگری از خانواده‌های تهی‌دست و ساده باشد یا یکی از آنها دارای فرهنگ و آدابی ویژه و دیگری با فرهنگ و طرز تفکری دیگر باشد با مشکلاتی کم و یا زیاد مواجه می‌شوند و همکاری و هم‌فکری و تعاون لازم را ندارند. (امینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰) این تفاوت‌ها باعث ایجاد ناسازگاری و عدم اتفاق بین زن و شوهر می‌شود و آسیب این ناسازگاری به شدت روی فرزندان‌شان تأثیر می‌گذارد.

۴-۲. عدم آشنایی به وظایف یکدیگر

زن و شوهر باید به وظایفی که بر عهده هر یک از آنها گذاشته شده است، آشنا باشند. مرد باید بداند وظیفه سرپرستی و مدیریت خانواده، تأمین هزینه‌های خانواده و تأمین نیاز جنسی همسر را بر عهده دارد. زن نیز باید به وظیفه خود در اطاعت از شوهر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محل سکونت، اشتغال و تحصیل، تمکین جنسی و انجام کارهای خانه به عنوان یک وظیفه اخلاقی عمل کند. اگر هر یک از زوجین به وظایفی که در خانواده بر عهده آنها گذاشته شده است، آشنا باشند و به آنها عمل کنند. بسیاری از زمینه‌های نزاع و درگیری بین آنها مرتفع خواهد شد. آشنا نبودن زوجین به وظایف خود یا کوتاهی کردن در عمل به آنها از علل اصلی بروز اختلاف و مشاجره بین همسران است. (جوکار، ۱۳۹۰، ص ۹۵)

۴-۳. عدم رعایت اخلاق

از مهمترین شرایط رضایت زن و شوهر از زندگی زناشویی، رعایت اخلاق حسنه و خوش رفتاری آنها نسبت به یکدیگر است. اساس زندگی زناشویی بر محبت و دوستی زن و شوهر با یکدیگر بنا شده است. در همین ارتباط قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»؛ از نشانه‌های خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و بین شما مودت و رحمت قرار داد، همانا در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱). این آرامش تنها در سایه رعایت اخلاق خوش و برخورد نیک زن و شوهر با یکدیگر امکان پذیر است. از سوی دیگر آشکار است که بد اخلاقی زن و شوهر با یکدیگر، احترام نگذاشتن آنها به یکدیگر و بدزبانی نسبت به هم، روابط حسنه آنها را تبدیل به نزاع، درگیری، مشاجره و در نهایت جدایی می‌کند. بنابراین، لازم است زوج‌ها از ابتدای زندگی مشترک مصادیق خوش اخلاقی و خوش رفتاری را بیاموزند و سعی کنند آنها را در روابط خود با همسر به کار گیرند تا از پیامدهای خوش این روش بهره‌مند گردند (حسینی، ۱۳۸۳).

۴-۴. عکس العمل نامناسب در برابر بداخلاقی همسر

نکته‌ای که لازم است به آن توجه شود این است که عکس العمل انسان در قبال بداخلاقی همسر باید چگونه باشد. در اسلام، خانواده و حفظ آن اهمیت بسیاری دارد. بنابراین، اجازه نمی‌دهد با بداخلاقی یکی از زوجین دیگری نیز به این اقدام مبادرت ورزد؛ زیرا بداخلاق بودن، خود صفتی ناپسند و نکوهیده است بلکه توصیه می‌کند همسر دیگر بر بدرفتاری‌های همسر خود صبر و تحمل پیشه کند. در این ارتباط پیامبر اکرم (صل) می‌فرماید: «مردی که بر بدخلقی همسرش به امید پاداش اخروی صبر کند خداوند در قیامت ثواب شاکران را به او خواهد داد» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۲۲/۱۰۰). امام باقر (علیه السلام) در مورد صبر و تحمل زن بر آزار و اذیت شوهرش می‌فرماید: «جهاد زن عبارت است از صبر و تحمل بر آزار و اذیت‌های همسر و غیرت‌ورزی‌های بی‌مورد او» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۹/۵). علاوه بر افزایش آستانه تحمل در برابر همسر می‌توان اخلاق بد همسر را به تدریج با تغییر خود و تأثیر بر سیستم خانواده اصلاح کرد (حسینی، ۱۳۹۳).

۴-۵. عدم تقوا و پاکدامنی

از اموری که می‌تواند باعث سردی روابط زن و شوهر شود، رعایت نکردن عفاف و پاکدامنی از سوی آنهاست. نگاه به نامحرم و عدم رعایت حجاب اسلامی توسط زوجین، علاوه بر حرمت شرعی، حس وفاداری به همسر و زندگی زناشویی را در همسر دیگر تضعیف می‌کند و او را در پایبندی به حریم خانواده دلسرد می‌کند. این امر باعث بروز اختلاف و کشمکش بین زن و شوهر می‌شود. بدین ترتیب، زن و شوهری که با هزار امید و آرزو با یکدیگر پیوند زناشویی بسته بودند از کنار هم بودن لذت نمی‌برند. از این رو لازم است مردان و زنان، تقوای الهی پیشه کنند، چشمان خود را از نگاه به نامحرم بازدارند، حجاب اسلامی را رعایت کنند و به طور خلاصه لذت جنسی، به خانواده و بهره‌گیری از همسر محدود شود. این امر استحکام خانواده را افزایش داده و از بروز اختلاف و درگیری بین زن و شوهر جلوگیری می‌کند. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۳۳)

۴-۶. عدم درک یکدیگر

از عوالم بسیار مهم جهت گرمی روابط زوجین و احساس رضایت آنها از زندگی خانوادگی، شناخت روحیات، علایق، طرز تفکر و بینش یکدیگر است. این امر آنها را در نحوه برخورد با هم بسیار یاری می‌رساند. درک کردن یکدیگر را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد:

۴-۶-۱. عدم آشنایی زوجین با تفاوت‌های زنان و مردان

از آنجاکه ساختار ژنتیکی زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است در نتیجه هر یک از آنها ویژگی‌های اختصاصی خواهند داشت و در عین حال که هر دو از روح الهی بهره‌مند هستند و در رابطه همسری هر یک آرامش بخش دیگری و مکمل اوست، اما نقش زن در زندگی چیزی غیر از نقش مرد است. برخی تفاوت‌های زنان و مردان عبارتند از: زنان همیشه هیجان‌پذیرتر از مردان هستند، رؤیاهای زنان زنده‌تر و هیجانی‌تر از رؤیاهای مردان است، زنان از لحاظ روانی کلام، جلوتر از مردان هستند، حالات عاطفی، به‌ویژه محبت در زنان قوی‌تر است و مردان به‌طور کلی خشن‌تر و پرخاشگرتر از زنان می‌باشند. (صدری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵)

۴-۶-۲. عدم شناخت خصائص و ویژگی‌های همسر

شناخت خصلت‌ها و ویژگی‌های خاص هر یک از زن و شوهر توسط دیگری نقش بسیار مهمی در ایجاد تفاهم و رضامندی آنان از زندگی خانوادگی دارد. انسان‌ها متفاوتند؛ بعضی بسیار مؤدب، بعضی عصبی، بعضی بدبین، بعضی رنگ خاصی را دوست دارند، بعضی تعصب احترام خانواده‌شان را دارند، بعضی به نظم و ترتیب بسیار اهمیت می‌دهند، بعضی به چیزهای خاصی علاقه دارند و غیره. اگر همسران با توجه به ویژگی‌های هر یک، رعایت حال هم را نکنند و حاضر شوند به خاطر همسر از خواسته خود بگذرند، احساس خوشبختی و ساعات در آنها افزایش می‌یابد. همچنین شناخت مشکلات همسر، پذیرش مشکل او و همدلی کردن با او در زندگی خانوادگی بسیار مهم است. از سوی دیگر، عدم شناخت ویژگی‌ها و وضعیت خاص همسر یا کنار نیامدن با آنها، مشکلات بسیاری را در روابط بین زن و شوهر ایجاد می‌کند. زندگی زناشویی در

این صورت فاقد شور و حرارت بوده به سردی می‌گراید و از رضامندی زوجین از زندگی خانوادگی به شدت می‌کاهد. (سالاری فر، ۱۳۸۷)

۴-۷. عدم ارتباط عاطفی

یکی از وظایف بسیار مهم زن و شوهر آن است که بدانند چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؛ زیرا قرار است یک عمر در کنار یکدیگر باشند، پس دانستن راه صحیح برقراری ارتباط با همسر اهمیت دارد و به‌کارگیری درست این مهارت موجب عدم سوء تفاهم و به‌دنبال آن، نزاع و درگیری خانوادگی است. این نکته بسیار در خور توجه است. چه بسا اتفاق می‌افتد که گفته‌ها و شنیده‌ها هم خوانی ندارد. آنچه مطرح می‌شود غیر از چیزی است که طرف مقابل فهم و دریافت می‌کند. هم الفاظ را باید دقیق انتخاب کرد تا مفهوم به‌درستی انتقال یابد و هم از تعبیر و تفسیرهای طولانی برداشت‌های منفی باید پرهیز شود. خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی نسبت به همسر، مانع بسیاری از سوء تفاهم‌هاست. باید سعی کرد از تصورات و افکار بدبینانه نسبت به دیگران و از جمله همسر جلوگیری کرد و همین امر موجب پیشگیری از خطای ذهن خوانی و برداشت منفی است. نکته لازم به تذکر اینکه می‌توان با سؤال از منظور سخن همسر و بیان واضح مقصود خود مانع از تفسیر ناخوشایند ذهنی شد. (حسن‌زاده، ۱۳۹۰)

۴-۸. عدم رعایت آراستگی ظاهری

سیره اهل بیت؟ عه‌مچنان بود که رغبتی به دنیا و مظاهر آن نداشتند، اما هنگام حضور در کنار همسر خویش به زیباترین لباس‌ها مزین بودند، چشم‌هایشان را سرمه و محاسنشان را معطر می‌کردند و این‌گونه حق بانوی خانه خویش را ادا می‌کردند، اما در غیاب همسرشان، لباس ضخیم می‌پوشیدند و در اتاقشان ساده و به دور از زینت بودند. (مجلسی، ۱۳۸۶، ۲۹۳/۴۳)

جمال و زیبایی همسر یک مزیت است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. مرد دوست دارد با زنی زیبا ازدواج کند و زن نیز دوست دارد با مردی خوش‌تیپ و خوش‌قیافه ازدواج کند. اسلام نیز با چنین خواسته‌هایی مخالف نیست و به همین دلیل به مرد و زن اجازه می‌دهد که قبل از ازدواج

یکدیگر را ببینند و بیسندند و حتی در این باره تأکید و سفارش هم می‌کند. باین حال در مواردی پس از ازدواج برخی می‌پندارند قیافه همسرشان مورد پسند آنها نیست و زیبایی مورد نظر او را ندارد. از این رو بنای ناسازگاری با همسر می‌گذارند و روابط را سرد و تیره می‌گردانند، ولی در این مورد چند نکته مهم وجود دارد: اول اینکه همه محاسن یک فرد در زیبایی و خوش قیافگی او خلاصه نمی‌شود بلکه باید همه ویژگی‌ها و خصوصیات او را در کل مورد نظر قرار داد. زیبایی تنها یکی از ویژگی‌ها و خصلت‌های نیک یک همسر شایسته است. خصلت‌های دیگر نیز وجود دارد مانند مهربانی، خوش‌برخوردی، احترام به همسر، دانایی، وفاداری، صداقت، تعهد و احساس مسئولیت در قبال خانواده و... که با بودن آنها در همسر نباید مسئله زیبا نبودن را عاملی اساسی برای احساس رضایت از زندگی زناشویی تلقی کرد.

دوم اینکه در بسیاری از موارد دلیل آنکه فرد همسر خود را غیر جذاب و غیر زیبا تلقی می‌کند آن است که همسرش خود را برای او نمی‌آراید و حال اینکه در تعالیم دینی توصیه شده است که زن در محیط خانه خود را برای همسرش بپاراید و با آراستگی و جذابیت در برابر او ظاهر شود. همچنین مرد نیز باید ظاهری آراسته داشته باشد. آراستگی زن و شوهر از این جهت اهمیت دارد که رغبت آنها را نسبت به یکدیگر بیشتر می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ زنی که درباره حقوق شوهر به همسرش سؤال کرد، فرمود: «زن باید خود را با بهترین بوها خوش‌بو سازد و بهترین لباس‌هایش را بپوشد و با بهترین زینت‌هایش، خود را آرایش دهد و هر صبح و شام خود را به شوهرش عرضه نماید» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۶۸).

همان‌گونه که مرد از همسر خود انتظار دارد با شیوه‌ها و وسایل گوناگون مانند زینت و آرایش و... رغبت او را برانگیزد، زن نیز چنین انتظاری دارد و مرد باید جنبه‌های روانی و غریزی او را در نظر بگیرد و عنایت کافی به آراستگی خود و تلاش در جذب زن و پاسخ به نیازهای مشروع او به عمل آورد. تخلف از این موضوع علاوه بر اینکه در حق زن جفا و ظلمی به‌شمار می‌رود سبب بروز انحرافات در زنان خواهد شد. در همین ارتباط امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «آراستگی مردان از اموری است که عفت و پاکدامنی همسرانشان را افزایش می‌دهد و زنان بدین دلیل عفت و

پاکدامنی را ترک کردند که شوهرانشان خود را برای آنان آراسته نکردند» (کلینی، ۱۴۰۷) برخی زنان و بسیاری از مردان اهمیت لازم را به این مسئله نمی‌دهند. حتی دیده شده است که با وجود تقاضاهای مکرر زن، مرد با ظاهری آشفته در خانه و در کنار همسر خود قرار می‌گیرد. این‌گونه رفتار موجب کاهش آستانه تحمل شخصی است که حساسیت روحی و ذوق و سلیقه دارد. بی‌اعتنایی نسبت به این‌گونه مسائل به ظاهر کوچک می‌تواند روی روابط و پیوندهای میان زن و شوهر تأثیر منفی بگذارد و از تمایل و رغبت آنها نسبت به یکدیگر بکاهد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰). بنابراین، اگر مرد و زن به وضع ظاهری خود در برابر همسرشان رسیدگی نکنند در ارتباط با افراد شیک‌پوش و خوش‌قیافه، حالت مقایسه در ذهنشان بین شخص حاضر و همسرشان شکل گیرد و زمینه انحراف و توجه به کمبودها حتی در صورت تقید به دستورات شرع مقدس ممکن است فراهم شود.

۴-۹. عدم رضایت از میزان یا کیفیت روابط جنسی

یکی از عوامل بسیار مهم در رضایت زن و شوهرها از زندگی خانوادگی، احساس رضایت آنها از روابط جنسیشان است. تأمین نیاز جنسی افراد در خانواده اهمیت بسیاری دارد. می‌توان گفت نخستین انگیزه‌ای که انشان‌ها را به سوی ازدواج و زندگی مشترک با جنس مخالف فرامی‌خواند همین نیاز غریزی و زیستی است. در میان لذت‌های غریزی، هیچ لذتی با لذت ناشی از ارضای میل جنسی برابری نمی‌کند. از همین رو در اسلام، ارضای مشروع میل جنسی نه تنها مورد نکوهش قرار نگرفته بلکه نسبت به آن توصیه شده است. (محمدی، ۱۳۸۷) در سایه ارضای میل جنسی علاوه بر تأمین نیاز جسمانی، فرد از لحاظ اخلاقی، فکری و روانی به آرامش می‌رسد و عشق و تمنایی که در نهاد آدمی به ودیعت نهاده شده است، فعلیت می‌یابد و موجبات رشد و شکوفایی ابعاد دیگر انسان فراهم می‌شود. از همین رو اگر زن و شوهر از رابطه جنسی خود رضایت داشته باشند به احتمال قوی از زندگی خانوادگی خود نیز راضی هستند و اگر از رابطه جنسی ناخرسند باشند از زندگی خانوادگی نیز ناخرسند خواهند بود. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد

رضامندی خانوادگی با رضامندی جنسی رابطه دارد. زوج‌های خرسند، نسبت به زن و شوهرهای ناخرسند از رابطه جنسی خود خشنودترند و رابطه جنسی بیشتری دارند (حسینی، ۱۳۸۳). در بسیاری از خانواده‌ها، وجود شرم و حیا باعث می‌شود زن و شوهر نتوانند نارضایتی خود را از نحوه یا میزان رابطه جنسی ابراز کنند، اما این نارضایتی را در رفتارها و برخوردهای دیگر خود بروز می‌دهند. در بسیاری از موارد، تندخویی و پرخاشگری مرد ریشه در عدم رضایت او از رابطه جنسی با همسر دارد و در مواردی به کشمکش‌های خانوادگی و حتی طلاق منجر می‌شود. از این رو لازم است زن و شوهر شرم و حیای بیش از حد را کنار گذاشته و با بیان صریح عدم رضایت خود از میزان یا کیفیت آمیزش درصدد رفع مشکل برآیند. گفت‌وگوی زن رضامندی از رابطه جنسی و کمک به همسر در بهره‌مندی از لذت جنسی می‌تواند به برقراری روابط حسنه بین آنها کمک شایانی کند. (کجباف، ۱۳۸۴)

۵. تأثیر ناسازگاری زوجین بر رشد شخصیتی فرزندان

ناسازگاری والدین اثرات نامطلوبی بر بعد جسمانی و روانی کودکان دارد. والدینی که تعارض مکرر و شدید دارند و مشکلاتشان را به روش خصمانه‌ای حل می‌کنند، فرزندان آنها مشکلات عاطفی و رفتاری بیشتری داشته و نسبت به فرزندان خانواده‌های متعادل، اختلالات روان‌تنی، عزت نفس پایین، اضطراب و تشویش، افسردگی و کاهش اعتماد به دیگران را دارند. محققان پی برده‌اند که ناسازگاری ازدواجی والدین با ناسازگاری ازدواجی فرزندان در سال‌های بعدی رابطه دارد. وقتی والدین حسود، کج خلق، منتقد، سلطه‌گر و زودخشم هستند بچه‌های آنها این روند را در روابط ازدواجی خودشان ادامه می‌دهند. تعارض والدین برای رفاه عاطفی و رفتاری کودکان زیان بار است. نابسامانی خانواده هم در دختران و پسران تأثیراتی را به دنبال دارد، اما تأثیر نامناسب آن بر دختران به مراتب بیشتر از پسران است و این امر به ویژگی‌های روحی و عواطف آنان برمی‌گردد.

۶. آسیب‌های مرتبط با پایه‌ریزی رشد شخصیت از طریق سازگاری یا عدم سازگاری والدین

با یکدیگر در کودک و نوجوانان

۶-۱. کاهش عزت نفس

اعتماد به نفس از دوران کودکی توسط والدین و اطرافیان شکل می‌گیرد. برای نمونه اگر کودکی در محیطی پر از ترس بزرگ شود، یاد می‌گیرد که بترسد یا اگر در محیط پر از تشویق بزرگ شود به خوبی می‌آموزد که اعتماد کند. در واقع عزت نفس کودکان به نوع نگرش و رفتاری که والدین در محیط خانه دارند، برمی‌گردد و رفتارهایی مانند طرد، عدم محبت، عدم توجه، غفلت، جدی نگرفتن، توجه به نکات منفی، گوش ندادن، عدم احترام، تحقیر، تمسخر، سرزنش، تهدید، مقایسه، انتظار بیش از حد و بدرفتاری با کودک باعث کاهش عزت نفس او در همه مراحل رشد به‌ویژه دوران نوجوانی می‌شود. (شریفی، ۱۳۹۸) بنابراین، والدینی که با یکدیگر سازش ندارند به دلیل کاهش انرژی روانی با بی‌حوصلگی و تحقیر و... با فرزندان‌شان رفتار می‌کنند و زمینه کاهش عزت نفس کودکان‌شان را پدید می‌آورند.

۶-۲. افزایش اضطراب و تشویش

کودکان به شدت وابسته مادر و پدر خود هستند و امنیت و آرامش خود را در گرو حمایت آنها می‌بینند و با کمترین بی‌توجهی مضطرب و پریشان می‌شوند. اولین عامل ایجادکننده نگرانی در کودک، اختلاف والدین است. اگر به‌طور پیوسته در خانواده درگیری وجود داشته باشد آرامش و آسایش فرزندان سلب می‌شود. کودکانی که در چنین شرایطی بزرگ می‌شوند دچار نگرانی و مشکلات عاطفی و روانی هستند. در چنین شرایطی کودک در معرض عدم توافق آنها قرار می‌گیرد و الگویی انحرافی برای کودک در جهت حل تعارض به وجود می‌آید. کودکانی که والدین آنها به‌طور پیوسته درگیر نزاع و دعوا هستند گوشه‌گیر، کم حرف و بهانه‌جو و نگران هستند.

(موسوی، ۱۳۹۹)

۶-۳. ایجاد افسردگی

افسردگی کودکان و نوجوانانی که به‌طور پیوسته ناراحت هستند و به چیزی علاقه نشان نمی‌دهند و دمدمی هستند و در بیش‌تر روز غمگین و ناراحت هستند نشان از افسردگی در آنها خواهد بود. از علت آن می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد برای مثال، پاسخ کودکان در مواجه شدن با ناسازگاری والدین و همچنین در خانواده‌هایی که اختلاف رفتاری در میان والدین شدید است گسستگی، پرخاشگری، قانون‌گریزی، عدم اعتماد به والدین و... نیز بیشتر خواهد بود. طبق تحقیقات میدانی، کودکانی که در خانواده آرام و سازگار زندگی می‌کنند و والدین برای رشد کودکان خود تعامل دارند اختلاف‌های رفتاری و ناهنجاری کمتری خواهند داشت و از سلامت روانی بیشتری برخوردار خواهند بود. (موسوی، ۱۳۹۹) وقتی پدر و مادر هر دو مقصر هستند و اشتباه می‌کنند یا حق از آن یکی است و دیگری گناهکار است چون فرزند از یک طرف علاقه ذاتی و وابستگی طبیعی را نمی‌تواند از بین ببرد و از طرف دیگر با رفتارهای نادرست والدین مواجه می‌شود در نتیجه از آنها مأیوس شده و تنهایی را احساس می‌کند. احساس تنهایی و بی‌پناه بودن برای فرزندان خطرناک است و در ذهن آنها پدیدآورنده نابسامانی و افسردگی خواهد شد. کودکان هنگام درگیری‌های میان والدین، افراد مورد علاقه خود را بی‌توجه می‌شناسند از این‌رو منزوی شده و احساس افسردگی می‌کنند (موسوی، ۱۳۹۹) اگر ناهماهنگی پدر و مادر به مشاجره منجر شود و فرزندان شاهد این امور باشند شکل‌گیری شخصیت آنها در مسیری صحیح هدایت نمی‌شود.

۶-۴. نگرانی مداوم از دست دادن والدین

گاهی اوقات خانواده‌هایی که در آن پدر و مادر از هم جدا نشده‌اند نسبت به خانواده‌های گسسته اثر مخرب‌تری روی فرزندان دارند، بدین معنی که اگر والدین با هم تجانس و توافق نداشته و همیشه در حال نزاع و مشاجره باشند کودک احساس ناامنی شدیدی خواهد کرد. اغلب اوقات منشأ اضطراب بزرگسالان را می‌توان در اختلاف پدر و مادر آنها در زمان کودکی یافت.

تعارض زوجین برای کودکان، پیامدهای بدی دارد و کودکان را به بی‌سازمانی شخصیتی که یکی از کج‌روی‌های اجتماعی است، سوق می‌دهد. وقتی پدر و مادر در عدم تعادل عاطفی به سر می‌برند، بچه‌ها احساس ناراحتی و ترس می‌کنند و برای بازگرداندن آرامش مجدد به خانواده هر کاری که بتوانند انجام می‌دهند و احتمالاً بچه‌ها به‌طور مستقیم به والدینشان التماس می‌کنند که دست از دعوا بردارند. اگر با این روش به نتیجه نرسند با خراب کردن چیزی یا دعوا کردن با برادر یا خواهر کوچک‌تر سعی می‌کنند حواس پدر و مادر را پرت کنند و پدر و مادر با این کار دست از دعوا کشیده و به دعوای بچه‌ها رسیدگی می‌کنند. این‌گونه بچه‌ها می‌دانند چه وقت و چگونه، طوری رفتار کنند که تنش‌های خانواده را از بین ببرند با این حال هنوز می‌توانند خود واقعیشان را نشان دهند. با این وجود در سایر موارد، نیاز این‌گونه بچه‌ها برای ایفای این نقش خاص برای خانواده باعث می‌شود خود حقیقی‌شان را سرکوب کرده و کسی بشوند که برای ادامه حیات عاطفی خانواده به وجود آنها نیاز دارند. (نوری، ۱۳۶۸، ۳۹)

مشاجره تنها زمینه‌ای نیست که برای بچه‌ها مشکل درست می‌کند. در بعضی خانواده‌ها، اضطراب در حدی است که باعث اختلال رشد روانی بچه‌ها می‌شود. در بیشتر مواقع این اضطراب ناشی از ترس طرد شدن و تنها ماندن است که سبب می‌شود افراد به طریق ناسالمی خود را به دیگران بچسبانند و گرفتار شوند. در چنین خانواده‌ای افراد از ترس اینکه مبدا تفاوت و تعارض منجر به قطع رابطه نزدیک شود از آن خودداری می‌کنند. (قائمی، ۱۳۸۷) از آنجاکه عصبانیت و ترس از دست دادن والدین غیر قابل تحمل است، بچه‌ها احساساتشان را در خود می‌ریزند و این امر باعث بروز مشکلات عاطفی و روان‌تنی می‌شود. بچه‌هایی که در جایی رشد می‌کنند که تشویش در آن نهفته است به شخص مضطربی تبدیل می‌شوند و برای احساس آرامش، نزدیکی مفراطی را نسبت به بزرگ‌ترها جست‌وجو می‌کنند. از آنجاکه نیاز والدین برای پیوستگی با دلبستگی آنها به بچه‌های خود ارضا می‌شود، کمتر پیش می‌آید که از کوشش‌های بچه‌های خود در راستای مستقل شدن یا برقراری رابطه اجتماعی با هم‌سن و سالان یا سایر

افراد غیر از اعضای خانواده حمایت کنند. از این رو این احساس نهفته اضطرابی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و هم‌زمان با وابسته کردن بچه‌ها و والدینشان به خانواده و دیگران برای آنها مشکل درست می‌کند. بچه‌ها تحت تأثیر روابط تنش‌زا یا ناراحت‌کننده قرار نمی‌گیرند بلکه روابط خوب هم آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی پدر و مادر بتوانند نسبت به یکدیگر ابراز محبت و احترام کرده و با تفاوت‌ها به نحو سازنده‌ای کنار بیایند لطف بزرگی در حق بچه‌های خود کرده‌اند (نوری، ۱۳۶۸).

بچه‌هایی که محیط آرامی در اختیار دارند، می‌توانند در آن، روی مسائل خودشان تمرکز کنند. این‌گونه بچه‌ها الگوی بسیار خوبی دارند، ولی مهم‌تر از آن طرحواره درونی است که آنها از ازدواج خلق می‌کنند سرشار از عقاید و انتظارات مثبت. به نظر آنها ازدواج محیطی را فراهم می‌آورد که از بودن با هم لذت برده و می‌دانند چگونه مشکلات را حل کنند. در مقابل بچه‌هایی که متعلق به خانواده‌هایی هستند که در آن اختلاف زناشویی وجود دارد تجربه متفاوتی دارند. آنها شانس اولویت‌های خود را ندارند و مسئولیت‌های ناحقی بر گردنشان می‌افتد. تماس آنها با پدر و مادری که یکدیگر را حمایت نکرده و رفتار محبت‌آمیزی نداشته‌اند باعث می‌شود آنها به این باور برسند که ازدواج نه توأم با امنیت است نه راحت و این شك را در آنها به وجود می‌آورد که آیا می‌توان به دیگران اعتماد کرد یا خیر. بچه‌های خانواده پرتنش وقتی می‌بینند که یکی از والدین دیگری را خوار و حقیر کرده به او ناسزا می‌گوید در شرایط متعارضی قرار می‌گیرند که نمی‌توانند از هیچ يك از والدین همانندسازی مثبتی را انجام دهند. این مسئله به اینجا ختم نمی‌شود که این بچه‌ها در نوجوانی با مشکلاتی در اعتماد به نفس، افسردگی و عصبانیت شدید دست به گریبان شوند بلکه می‌توان پیش‌بینی کرد که آنها مشکلاتی در روابط دوران بزرگسالی خود خواهند داشت. (قائمی، ۱۳۸۶)

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ناسازگاری زوجین بر رشد شخصیتی فرزندان انجام شده است. خانواده یکی از نهادهایی است که مهمترین نقش و جایگاه را در تربیت فرزندان و رشد و تکامل شخصیت آنان بر عهده دارد که هرگونه اختلال در خانواده، پدر و مادر را از وظایف اصلی خود دور کرده و نقش آنان را کم‌رنگ می‌کند. ناسازگاری و اختلاف بین زن و شوهر از جمله آسیب‌هایی است که آثار و پیامدهای زیانباری بر اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان خواهد داشت. از مهمترین آثار این مسئله بر فرزندان تأثیرات جسمی، روحی و عاطفی و تحول شخصیتی آنهاست. یافته‌های پژوهش حاضر نشانگر آن است که عواملی مانند هم‌کفو نبودن همسران، عدم آشنایی به وظایف یکدیگر، عدم رعایت اخلاق، عکس‌العمل در برابر بداخلاقی همسر، عدم تقوا و پاکدامنی، عدم درک یکدیگر، عدم ارتباط صمیمیت در ایجاد ناسازگاری زوجین تأثیرگذار است. این ناسازگاری نه تنها بر خود زوجین اثرات نامطلوبی دارد بلکه برای فرزندان نیز در ابعاد مختلف جسمی، روانی و عاطفی تأثیرات نامطلوبی به بار می‌آورد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که الگوهای رفتاری والدین ناسازگار، الگوهای رفتاری نامناسبی است. بنابراین، فرزندان مهارت‌های تعامل با دیگران را به‌درستی آموزش نمی‌بینند و از این طریق آسیب‌هایی همچون کاهش مهارت‌های ارتباطی، کاهش تعامل با دیگران، کاهش عزت نفس، ایجاد اضطراب و تشویش، افسردگی، عدم اعتماد به دیگران، عدم مهارت‌های اجتماعی، قانون‌گریزی، خشم، ایجاد دلبستگی‌های نایمن، نگرانی مداوم از دست دادن والدین می‌تواند تحول شخصیتی کودک و پیریزی شخصیت سالم آنان را دچار چالش کند که بستر اختلالات شخصیتی را در بزرگسالی رقم می‌زند و زندگی آینده فرزندان را با خطراتی مواجه می‌کند.

با توجه به اهمیت پیامدهای ناسازگاری زوجین بر تحول شخصیتی فرزندان، پیشنهاد می‌شود اثرات مخرب ناسازگاری والدین بر فرزندان از طریق تحقیقات میدانی پیگیری شود و با توجه به برخی پژوهش‌های نگارش شده در مورد ناسازگاری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی

دختران نوجوان (سهرابی و حسنی)، عوامل ایجاد ناسازگاری همسران (مولوی، ۱۳۸۱) و شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در زوجین (دیکوویک، ۲۰۱۵؛ کونینگ ۲۰۱۰؛ هاوکینز، ۲۰۰۷؛ هور، ۲۰۱۰) در آموزش و برنامه‌ریزی کلان برای خانواده‌ها شاخص‌های اساسی برای جلوگیری از بسیاری از آسیب‌ها لحاظ شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اتکینسون، و. و هیلگارد (۱۳۹۲). زمینه روان‌شناسی. تهران: انتشارات ارجمند.
۲. جوکار، محبوبه (۱۳۹۰). حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی. نشریه طهورا، ۴(۸)، ۷۹-۱۱۶.
۳. حسین‌زاده، علی (۱۳۹۰). همسران ناسازگار (راهکارهای سازگاری). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۴. حسینی، داود (۱۳۸۶). روابط سالم در خانواده. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۵. حسینی، سید علی (۱۳۹۳). خانواده‌درمانی با رویکرد بوئن. نشریه طب اعتیاد، ۷(۲)، ۴۹-۵۲.
۶. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۷). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: انتشارات سمت.
۷. سهرابی اسمرد، فرامرز، و حسنی، اعظم (۱۳۸۶). ناسازگاری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان. مجله روانشناسی ۱۱(۱)، ۷۵-۸۸.
۸. صدری، ضیاءالدین (۱۳۷۸). آئینه ازدواج در روابط همسران. نشر انجمن اولیاء مربیان.
۹. طبرسی، رضی‌الدین (۱۳۶۵). مکارم الاخلاق. مترجم: میریاقری، ابراهیم. تهران: فراهانی.
۱۰. قائمی، علی (۱۳۸۶). کودک و خانواده نابسامان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۱۱. کاپلان و سادوک (۲۰۱۵). خلاصه روان‌پزشکی *DSM5*. مترجم: رضاعی. تهران: انتشارات ارجمند.
۱۲. کجیاف، محمدباقر (۱۳۸۴). رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۲۷(۲۳)، ۱۱۳-۱۴۴.
۱۳. کلینی، محمد یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامی.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴). بحار الانوار. تهران: کتابچی.
۱۵. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. مترجم: شیخی، حمیدرضا. قم: دارالحدیث.
۱۶. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. مترجم: شیخی، حمیدرضا. قم: دارالحدیث.
۱۷. مولوی، حسین (۱۳۸۱). شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در زوجین. علوم انسانی الزهرا. شماره ۲۷(۱۲)، ۱۸۹-۲۰۸.
۱۸. نوری، مهدی (۱۳۸۶). رشد و تکامل شخصیت (رفتار بهنجار و نابهنجار). تهران: انتشارات کلمه.
19. DEKOVIC, M., (2015). *The prospective relationship between child personality and perceived parenting*, page 77-193.

20. HAWKINS. (2007). *Parents' personality and children's proneness to anger*. page 131-41.
21. HUVER. RM, (2010). *Personality and parenting style in parents of adolescents*. page 395-402.
22. KOENIG. JL, (2010). *Parents' personality and children's proneness to anger*. page 73-185.